یابرسد بایشان عذاب درد دهنده (٦٣) .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ قَدْ يَعْلَمُ مَآ اَنْتُمْ
عَلَيْهِ ۭ وَيَوْمَ يُرْجَعُوْنَ اِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۭ وَاللّٰهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٦٤﴾

آ گاه شو هرآئینه خداراست آنچه درآسمانها وزمین ست میداند روشی را که شمابرآنید وروزیکه گردانیده شوند بسوی اوخبردهد ایشان را بآنچه کرده اند وخدابهرچیز داناست (٦٤) .

سُوْرَةُ الْفُرْقَان

سوره فرقان مکی است وآن هفتادوهفت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبٰرَكَ الَّذِيْ نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰي عَبْدِهٖ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِيْنَ نَذِيْرَا ۙ﴿١﴾

بسیاربابرکت ست آنکه فرود آورد قرآن را بربندۀ خویش تاباشد ترساننده عالم هارا (١) .

الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ
لَّهٗ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهٗ تَقْدِيْرًا ﴿٢﴾

آنکه اوراست پادشاهی آسمان ها وزمین وهیچ فرزندنگرفته وهیچ شریك نیست اورادرپادشاهی وبیافرید هرچیزی را پس اندازه کرداوراندازه کردنی (٢) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً لَّا يَخْلُقُوْنَ شَيْـًٔا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ
وَلَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّلَا يَمْلِكُوْنَ مَوْتًا
وَّلَا حَيٰوةً وَّلَا نُشُوْرًا ﴿٣﴾

و گرفتند کافران بجزخدا آن معبودان را که نمی آفرینند چیزی وخود شان آفریده شوند و نمی توانند برای خویش زیانی ونه سودی ونمی توانند مرگ را ونه زند گانی را ونه برانگیختن را (٣) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِنْ هٰذَآ اِلَّآ اِفْكُ ۨافْتَرٰىهُ
وَاَعَانَهٗ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ ړ فَقَدْ جَاۗءُوْ ظُلْمًا وَّزُوْرًا ﴿٤﴾

و گفتند کافران نیست این قرآن مگردروغی که بربافته است آن را ویاری داده انداورابرافترای وی گروه دیگر پس بعمل آوردند ستم ودروغ را (٤) .

وَقَالُوْٓا اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلٰى عَلَيْهِ
بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٥﴾

و گفتند قرآن افسانهای پیشینیانست که برای خودنوشته است آنرا پس خوانده می شود بروَی صبح و

شام[١] (٥) .

قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِیْ یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا ﴿٦﴾

بگو فرود آورده است آنراکسیکه میداند آن پنهان را که درآسمان ها وزمین ست هرآئینه وی هست آمرزندهٔ مهربان (٦) .

وَقَالُوْا مَالِ هٰذَا الرَّسُوْلِ یَاْكُلُ الطَّعَامَ وَیَمْشِیْ فِی الْاَسْوَاقِ لَوْلَاۤ اُنْزِلَ اِلَیْهِ مَلَكٌ فَیَكُوْنَ مَعَهٗ نَذِیْرًا ﴿٧﴾

و گفتندچیست این پیغامبررا که میخورد طعام ومیرود دربازارها چرافرستاده نشد بسوی وی فرشته تاباشد همراه وی ترساننده (٧) .

اَوْ یُلْقٰۤى اِلَیْهِ كَنْزٌ اَوْ تَكُوْنُ لَهٗ جَنَّةٌ یَّاْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ﴿٨﴾

یاچرا ازآسمان پرتافته نه شد بسوی وی گنجی یاچرانیست اوراباغی که بخورد ازآن و گفتند ستمگاران پیروی نمی کنید مگرمردجادو زده را (٨) .

اُنْظُرْ كَیْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا یَسْتَطِیْعُوْنَ سَبِیْلًا ﴿٩﴾

ببین چگو نه مثالها زدند درحق تو پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی را (٩) .

تَبٰرَكَ الَّذِیْۤ اِنْ شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَیْرًا مِّنْ ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَیَجْعَلْ لَّكَ قُصُوْرًا ﴿١٠﴾

بزرگوارست آنکه اگرخواهد بدهدترا بهترازاین بوستانها که میرود زیرآن جویهابدهد ترا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) (١٠) .

بَلْ كَذَّبُوْا بِالسَّاعَةِ وَاَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِیْرًا ﴿١١﴾

بلکه دروغ شمردند قیامت را وآماده ساختیم برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را (١١) .

اِذَا رَاَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍ بَعِیْدٍ سَمِعُوْا لَهَا تَغَیُّظًا وَّزَفِیْرًا ﴿١٢﴾

چون به ببینند دوزخ راایشان ازمسافتِ دوربشنوند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را (١٢) .

وَاِذَاۤ اُلْقُوْا مِنْهَا مَكَانًا ضَیِّقًا مُّقَرَّنِیْنَ دَعَوْا

وچون انداخته شوند ازآن دوزخ بمکانی

(١) یعنی تایاد گیرد .

هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾

تنگ دست وپابسته بددعا کنند
آنجابرخویش هلاك شدن را(١٣) .

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾

وگوئیم بددعا نکنید امروز بیك هلاك
شدن وبددعا کنید بهلاك بسیار (١٤) .

قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ
كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾

بگو آیا این بهترست یا بهشت جاویدآنکه
وعده داده است متقیان را باشد ایشان را
پاداش وجای بازگشت (١٥) .

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٦﴾

ایشان راست درآنجاآنچه می
خواهندجاویدان، هست برپروردگار تو
وعدهٔ طلبیده شده (١٦) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ
أَأَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾

وآن روز که جمع کند خداایشان را
وآنچه می پرستند بغیراز خدا پس گوید
آیاشما گمراه کردید این بندگان مرا
یاایشان خود خطا کرده اند راه را (١٧) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ
دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ
نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾

گویند بپاکی یادمی کنیم ترا سزاوار نباشد
ماراکه هیچ دوست گیریم بجز تو ولیکن
بهره مند ساختی ایشان را وپدران ایشان
را تاآنکه فراموش کردند پند را وشدند
گروهی هلاك شده (١٨) .

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا
وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾

گوئیم (ای گروه کافران) هرآئینه دروغ
پنداشتند شمارا این معبودان درآنچه
می‌گفتید پس نمی توانید دفع کردن عذاب
ونه یاری دادن وهرکه ستم کند ازشما
بچشانیمش عذاب بزرگ (١٩) .

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ
الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو پیغامبران مگر
باین صفت که ایشان می خورند طعام
ومی رفتند دربازارها و ساختیم بعض
شمارا درحق بعضی ابتلائی آیاصبر
می‌کنید، وهست پروردگار توبینا (٢٠) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا
الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ
وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و گفتند آنانکه توقع ندارند ملاقات مارا چرا فروفرستاده نشد برما فرشتگان یاچرانمی بینیم پروردگار خودرا هرآئینه بزرگ شدند درزعم خویش و سرکشی کردند سرکشیِ بزرگ (٢١) .

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ
وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٢٢﴾

روزی که به بینند فرشتگان را هیچ مژده نیست آن روز گنهگاران را وگویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (٢٢) .

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾

ومتوجه شدیم بسوی آن چه کردند ازکردار پس ساختیم آن را مانند ذرّه های پراگنده[1] (٢٣) .

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت آن روزبهترند ازجهت قرارگاه ونیکوترند باعتبار جای استراحت (٢٤) .

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾

وروزیکه بشگافد آسمان بسبب ابرو فرودآورده شوند فرشتگان فرودآوردنی[2] (٢٥) .

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى
الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

پادشاهیِ حقیقی آن روزخدادراست وباشد آن روز برکافران روزدشوار (٢٦) .

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

وروزی که بگزد ستمگار دودست خودرا گوید ای کاش من گرفتمی همراه پیغامبر راهی[3] (٢٧) .

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

ای وای برمن کاش که دوست نه گرفتمی فلان را[4] (٢٨) .

---

(١) یعنی برباد کردیم

(٢) یعنی آسمان برهیئتِ معتادخود باشد امابرناگاه منشق شود والله اعلم .

(٣) تمناکننده عقبه بن ابي معیط بود که اطاعت أبی بن خلف کرد چنانه درسبب نزول آیه بیان کرده اند .

(٤) یعنی أبی بن خلف ومانندا و .

لَقَدْ اَضَلَّنِيْ عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ اِذْ جَآءَنِيْ ۗ وَكَانَ الشَّيْطٰنُ لِلْاِنْسَانِ خَذُوْلًا ﴿٢٩﴾

هرآئینه وی گمراه کرد مرااز پند بعد ازآنکه آمده بودبمن وهست شیطان آدمی را درمحنت تنها گذارنده (٢٩) .

وَقَالَ الرَّسُوْلُ يٰرَبِّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوْا هٰذَا الْقُرْاٰنَ مَهْجُوْرًا ﴿٣٠﴾

و گفت پیغامبر ای پروردگار من هرآئینه قوم من این قرآن را متروك ساختند (٣٠) .

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِيْنَ ۗ وَكَفٰى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَّنَصِيْرًا ﴿٣١﴾

وهمچنین ساخته ایم برای هر پیغامبر دشمنان ازگناهگاران و بس ست پروردگار تو راه نما ونصرت دهنده (٣١) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْاٰنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً ۚ كَذٰلِكَ ۚ لِنُثَبِّتَ بِهٖ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنٰهُ تَرْتِيْلًا ﴿٣٢﴾

و گفتند کافران چرا فرود آورده نه شد برپیغامبرقرآن بیك دفعه همچنین بدفعات آوردیم تااستوارسازیم بآن دل ترا و خواندیم آن رابآهستگی (٣٢) .

وَلَا يَاْتُوْنَكَ بِمَثَلٍ اِلَّا جِئْنٰكَ بِالْحَقِّ وَاَحْسَنَ تَفْسِيْرًا ﴿٣٣﴾

ونیارند کافران پیش توهیچ داستانی مگر بیاریم پیش توجوابی راست و نیکوتر دربیان (٣٣) .

اَلَّذِيْنَ يُحْشَرُوْنَ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ اِلٰى جَهَنَّمَ ۙ اُولٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّاَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٣٤﴾

آنانکه برانگیخته حشرکرده شوند برچهره های خویش بسوی دوزخ این جماعت بدترند باعتبار مکان و غلط کننده ترندراه را(٣٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنَا مَعَهٗۤ اَخَاهُ هٰرُوْنَ وَزِيْرًا ﴿٣٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب و ساختیم همراه او برادر او هارون را وزیر (٣٥) .

فَقُلْنَا اذْهَبَآ اِلَى الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۗ فَدَمَّرْنٰهُمْ تَدْمِيْرًا ﴿٣٦﴾

پس گفتیم بروید بسوی آن قوم که دروغ شمردند آیات مارا پس هلاك ساختیم آن قوم را هلاك کردنی (٣٦) .

وَقَوْمَ نُوْحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ اَغْرَقْنٰهُمْ وَجَعَلْنٰهُمْ لِلنَّاسِ اٰيَةً ۗ وَاَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٣٧﴾

وقوم نوح چون دروغگو شمردند پیغامبران را غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم ایشان رابرای مردمان نشانه، و مهیّا کردیم برای ستمگاران عذاب درد دهنده (٣٧) .

وَّعَادًا وَّثَمُوْدَاۡ وَاَصْحٰبَ الرَّسِّ وَقُرُوْنًا بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيْرًا ﴿۳۸﴾

وهلاك ساختيم عادوثمود واهل رسّ را وخَلقی بسياررا درميان ايشان (٣٨) ،

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيْرًا ﴿۳۹﴾

وبـراى هريكـی بيـان كرديـم داستـان ها وهريكی را هلاك ساختيم هلاك كردنی (٣٩) .

وَلَقَدْ اَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِيْٓ اُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ؕ اَفَلَمْ يَكُوْنُوْا
يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ نُشُوْرًا ﴿۴۰﴾

وهرآئينه رسيدند كافران بدهی كه بارانيده شد بروی بارانِ بد(يعنی باران سنگ) آيانمی ديدند آن را بلكه توقع نمی داشتند برانگيختن را (٤٠) .

وَاِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَّتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا ؕ اَهٰذَا الَّذِيْ بَعَثَ
اللّٰهُ رَسُوْلًا ﴿۴۱﴾

وچون بينند ترا نگيرند ترا الّا مسخره آيااين شخص ست آنكه خداى تعالی پيغامبرفرستادش (٤١) .

اِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا لَوْلَآ اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ؕ وَسَوْفَ
يَعْلَمُوْنَ حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿۴۲﴾

هرآئينه نزديك بود كه گمراه كند مارا ازپرستشِ خدايانِ ما اگر نه آن بودی كه شكيبائی كرديم برآن ها وخواهند دانست چون بينند عذاب را كه كيست اشتباه رونده ترراه را (٤٢) .

اَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ ؕ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ
عَلَيْهِ وَكِيْلًا ﴿۴۳﴾

آياديدی آن را كه‌گرفته است معبود خود خواهش نفس خودراآياتو ميشوی بروَی نگهبان (٤٣) .

اَمْ تَحْسَبُ اَنَّ اَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُوْنَ اَوْ يَعْقِلُوْنَ ؕ اِنْ هُمْ اِلَّا
كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿۴۴﴾

آيامی پنداری كه بيشترين ايشان می شنوند يامی‌فهمند نيستند ايشان الّا مانند چهارپايان بلكه ايشان اشتباه رونده ترند راه را (٤٤) .

اَلَمْ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ۚ ثُمَّ

آيا نديدی بسوی پروردگار خود كه چگـونـه دراز كـردسـايـه را[1] واگـر

---

(١) يعنی بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب يادراوّل روز .

جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيْلًا ﴿٤٥﴾

خواستی گردانیدی آن را آرمیده بازبرگماشتیم آفتاب را بروَی راه نما[1] (٤٥) .

ثُمَّ قَبَضْنٰهُ اِلَيْنَا قَبْضًا يَّسِيْرًا ﴿٤٦﴾

بازفراگرفتیم سایه را بسوی خویش فرا گرفتن آسان (٤٦) .

وَهُوَ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِبَاسًا وَّالنَّوْمَ سُبَاتًا وَّجَعَلَ النَّهَارَ نُشُوْرًا ﴿٤٧﴾

واوست آنکه ساخته برای شما شب را پوشش وخواب راراحت وساخت روزراوقتِ برخاستن (٤٧) .

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ۚ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً طَهُوْرًا ﴿٤٨﴾

واوست آنکه فرستاد بادهارا مژده دهنده پیش رحمت خویش وفرود آوردیم ازآسمان آب پاك را (٤٨) .

لِّنُحْیِۦَ بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا وَّنُسْقِيَهٗ مِمَّا خَلَقْنَآ اَنْعَامًا وَّاَنَاسِيَّ كَثِيْرًا ﴿٤٩﴾

تازنده سازیم بآن شهر مرده را وتا بنوشانیمش ازآنچه ما آفریده ایم چهارپایان را ومردمان بسیاررا (٤٩) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنٰهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوْا ۖ فَاَبٰٓى اَكْثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿٥٠﴾

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم پندرمیان ایشان تاپندپذیر شوند پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگرناسپاسی را (٥٠) .

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِيْ كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيْرًا ﴿٥١﴾

وا گرمی خواستیم میفرستادیم درهر دهی ترساننده (٥١) .

فَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا ﴿٥٢﴾

پس فرمان مبرکافران را وجهادکن باایشان بقرآن جهادِ بزرگ (٥٢) .

وَهُوَ الَّذِيْ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَّهٰذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ ۚ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَّحِجْرًا مَّحْجُوْرًا ﴿٥٣﴾

واوست آنکه درآمیخت دو دریا را این يك آبِ شیرین دافع تشنگی ست وآن دیگر شوربدمزه وساخت میان هر دوحجابی وسدی محکم (٥٣) .

وَهُوَ الَّذِيْ خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ بَشَرًا فَجَعَلَهٗ نَسَبًا وَّصِهْرًا ۭ

واوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس

---

(١) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود .

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾

ساخت آن را خویشاوند نسب وخویشاوند قرابت دامادی وهست پروردگارتوتوانا (٥٤) .

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ
وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

ومی پرستند بغیراز خداچیزی را که نفع ندهد بایشان وضررنه رساند بدیشان وهست کافر برمخالفت پروردگار خود پشت دهنده (٥٥) .

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾

ونه فرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده (٥٦) .

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ
أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾

بگو نمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن هرکه خواهد که راه گیرد بسوی پروردگارخویش(گو بگیرد) (٥٧) .

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ
بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾

وتوکل کُن برآن زنده که هرگز نمیرد وبپاکی یادکن همراه ستایش او، وبس ست وی بگناهان بندگان خویش آگاه (٥٨) .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

آنکه بیافرید آسمانها وزمین وآنچه درمیان آنهاست درشش روز باز مستقرشد برعرش اوست بخشاینده پس بپرس ازحالِ وی دانائی را (٥٩) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا وَمَا
الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۩ ﴿٦٠﴾

وچون‌گفته میشود بکافران که سجده کنید رحمن راگویند چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تومیفرمائی بما وزیاده کرداین سخن درحق ایشان رمیدن را (٦٠).

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا
سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا ﴿٦١﴾

بزرگوارست آنکه بساخت درآسمان بُرجهارا وساخت درآن چراغ را (یعنی خورشید را) وساخت ماهِ روشنی دهنده را (٦١) .

وَهُوَ الَّذِيْ جَعَلَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ اَرَادَ اَنْ يَّذَّكَّرَ
اَوْ اَرَادَ شُكُوْرًا ﴿٦٢﴾

واوست آنکه ساخت شب وروز را جانشین یك دیگر برای کسیکه خواهد پندگرفتن یاخواهد شکرگذاری کردن (٦٢) .

وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا ﴿٦٣﴾

وبندگان خدا آنانند که میروند برزمین بآهستگی[1] وچون سخن گویند بایشان نادانانگویند سلام برشماباد (٦٣) .

وَالَّذِيْنَ يَبِيْتُوْنَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَّقِيَامًا ﴿٦٤﴾

وآنانکه شب می گذارند برای پروردگار خویش سجده کنان وقیام کنان (٦٤) .

وَالَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ
اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾

وآنانکه میگویند ای پروردگار ما بازدارازما عذاب دوزخ را هرآئینه عذاب دوزخ لازم شونده است (٦٥) .

اِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّمُقَامًا ﴿٦٦﴾

هرآئینه دوزخ بدآرام‌گاهی ست وبدمقامی ست (٦٦) .

وَالَّذِيْنَ اِذَآ اَنْفَقُوْا لَمْ يُسْرِفُوْا وَلَمْ يَقْتُرُوْا وَكَانَ بَيْنَ
ذٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

وآنانکه چون خرج کنند اسراف نه نمایند و تنگی نگیرند وباشد عطای ایشان میان جانِبَین معتدل (٦٧) .

وَالَّذِيْنَ لَا يَدْعُوْنَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَلَا يَقْتُلُوْنَ النَّفْسَ
الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُوْنَ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ
ذٰلِكَ يَلْقَ اَثَامًا ﴿٦٨﴾

وآنانکه نمی پرستند باخدامعبود دیگررا ونمی کُشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدامگر بحق وزنانکنند وهرکه بکند این کاررا برخُورَدبه عقوبتِ دشوار (٦٨) .

يُّضٰعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيْهٖ مُهَانًا ﴿٦٩﴾

دوچند کرده شود اوراعذاب روزِ قیامت وجاویدماند آنجا خوارکرده شده (٦٩) .

اِلَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يُبَدِّلُ
اللّٰهُ سَيِّاٰتِهِمْ حَسَنٰتٍ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٧٠﴾

مگر آنکه توبه کرد وایمان آوردوعمل شائسته نمود پس آنجماعت تبدیل کند خدا بدیهای ایشان را به نیکی ها وهست

---

(١) یعنی تواضع برایشان غالب ست .

خدا آمرزندهٔ مهربان (٧٠) .

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ٧١

وهرکه توبه کند وکارشائسته بجاآوردپس هرآئینه وی رجوع میکند بخدا رجوع کردنی (٧١) .

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ٧٢

وآنانکه گواهی دروغ نمی دهند وچون بگذرند بربیهوده بگذرند به روشِ بزرگان (٧٢) .

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا
وَعُمْيَانًا ٧٣

وآنانکه چون پندداده می شود ایشان را بآیاتِ پروردگار ایشان کرو کور نه افتند بشنیدِن آن[1] (٧٣) .

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ
أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤

وآنانکه می‌گویند ای پروردگارِمابه بخش مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنیِ چشم وقراردِه مارا پیشوای متقیان (٧٤) .

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ٧٥

آن جماعت جزاداده شود ایشان را مقام بلند بخاطر آنکه صبر کردند، برخوردار کرده شوند درآن ایشان بدعای خیروسلام (٧٥) .

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ٧٦

جاویدان آنجا، بهشت نیك آرام‌گاه ست ونیك مقام ست (٧٦) .

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ
يَكُونُ لِزَامًا ٧٧

بگو اعتنا نمی کند به شما پروردگار من اگرنباشد عبادتِ شما پس هرآئینه دروغ پنداشتید پس البته باشد جزای آن لازم (٧٧) .

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

سوره شعراء مکی است وآن دوصد وبیست وهفت آیت ویازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

(١) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند .